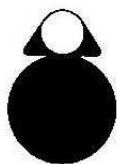


پرواز در تنهایی

سامرست موآم

مترجم
سوسن افشار

www.ketab.ir



نشر دلپره

سرشناسه : موام، ویلیام سامرست، ۱۸۷۴-۱۹۶۵ م.
Maugham, W. Somerset
 عنوان و نام پدیدآور : پرواز در تنهایی / سامرست موام: مترجم سوسن افشار
 مشخصات نشر : تهران: نشر دایره، ۱۴۰۰.
 مشخصات ظاهری : ۲۳۶ ص.
 شابک : 978-600-5722-64-2
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیا
 یادداشت : عنوان اصلی: Cakes and Ale
 موضوع : داستان‌های انگلیسی - - قرن ۲۰ م.
 شناسه افزوده : نوری افشار، سوسن، ۱۳۳۱-، مترجم
 رده‌بندی کنگره : PZ ۳:
 رده‌بندی دیویی : ۸۲۳ / ۹۱۴:
 شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۶۰۵۱۹:
 اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیا

نام کتاب : پرواز در تنهایی
 نویسنده : ویلیام سامرست موام
 مترجم : سوسن افشار
 ناشر : دایره
 چاپ نخست : پاییز ۱۴۰۰
 شمارگان : ۵۰۰ جلد
 حروفچینی : گروه انتشارات دایره
 لیتوگرافی : فیلم گرافیک
 چاپ : میران
 صحافی : میران
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۷۲۲-۶۴-۲

۷۰۰۰۰ تومان

نشر دایره: تهران، خیابان ولیعصر، ایستگاه توانیر، کوچه پله هفتم، پلاک ۱
 تلفن: ۸۸۷۹۲۴۰ و ۹۱۲۱۲۲۱۴۴۲
 تهران- صندوق پستی ۳۹۶-۱۵۷۴۵

www.dayerehgroup.com

در اینستاگرام به ما بپیوندید:  nashredayereh

مقدمه نویسنده

نخستین بار این داستان در اندیشه‌ام، فقط یک قصه کوتاه بود و آن را چنین آغاز نمودم: «از من خواسته شده تا خاطرات خود را درباره داستان نویس معروفی که دوست زمان نوجوانی‌ام بود بنویسم، خاطرات ایامی که او مشغول خلق آثار بالارزش خود بود. در آن روزها او همسری عامی و بسیار بی وفا داشت ولی بعدها از او جدا شد و با پرستار خود ازدواج نمود. در شگفتم که آیا این نویسنده از این که در دوران کهولت همچون یک بنای یادبود گشته، احساس ناآرامی می نمود یا خیر؟»

در آن زمان، من سرگرم نگارش یک سری داستان‌های کوتاه برای مجله‌ای بودم. در قرارداد قید شده بود که داستان‌ها باید بین هزار و دویست تا هزار و پانصد کلمه باشند. اغلب این داستان‌ها با تصویری که همراه داشتند بیشتر از یک صفحه از مجله را در بر نمی گرفتند، البته گاهی اوقات با جابجایی تصویر به صفحه مقابل فضایی بیشتر به من اختصاص داده می شد. در این اندیشه بودم که از این داستان برای مجله استفاده کنم. سال‌ها بود که شخصیت رزی^۱ در افکارم جای داشت، می خواستم درباره او بنویسم ولی هرگز چنین موقعیتی پیش نیامده

بود و در حقیقت توانایی ایجاد فضای مناسبی برایش نداشتم و فکر می‌کردم که هرگز موفق نخواهم شد.

یک شخصیت در اندیشه نویسنده همچون دارایی باقی می‌ماند و دائماً در افکارش مطرح می‌شود و از این که شخصیتی در ذهنش زندگی می‌کند که به سبکی خاص مطیع امیالش است، لذت می‌برد. اما هنگامی که آن شخصیت با قلم روی کاغذ آورده می‌شود دیگر متعلق به نویسنده نیست و آن را فراموش می‌کند و تعجب‌آور است که چگونه شخصی که سال‌ها در افکارتان زندگی می‌کرده به ناگهان می‌میرد و از بین می‌رود.

در یک داستان کوتاه تنها می‌توانستم به ترسیم پیکره این شخصیت پردازم و باور داشتم که این داستان هرگز نمی‌تواند در قالب چند هزار واژه بگنجد. بار دیگر خاطرات گذشته را به یاد آورم، مخصوصاً درباره مکانی که در کتاب «لبه تیغ» بلاک استبل نامیده بودم و به این نتیجه رسیدم که می‌بایست بیشتر موشکافی نمایم. عمو ویلیام کشیش ناحیه بلاک استبل و همسرش ایزابل بدل به عمو هنری و همسرش سوفی شدند و فیلیپ هنری^۲ شخصیت یکی از کتاب‌هایم به صورت بازگوکننده این داستان درآمد.

هنگامی که این کتاب به چاپ رسید شدیداً مورد انتقاد قرار گرفتم، این تصور پیش آمده بود که شخصیت ادوارد دریفیلد^۳ توضیحی از زندگی توماس هاردی^۴ بوده است در حالی که نه تنها قصد من این نبود بلکه هرگز به خاطر من نیز خطور نکرده بود. در اندیشه من نویسنده‌ای تجلی داشت که به رغم ظاهر باوقاری که به خاطر هواخواهان خود حفظ می‌کرد در درونش روحی زنده و ماجراجو وجود داشت و با وجود زندگی کسل‌کننده که سالیان دراز با احترام تمام داشت دارای افکاری مملو از اندیشه‌های شگرف بود. کتاب‌های توماس هاردی هرگز نتوانستند من را مجذوب کنند و من جزو علاقمندان او در نیامدم

Black Stable - ۱

Philip Carey - ۲

Edvard Driffield - ۳

Thomas Hardy نویسنده انگلیسی (۱۸۴۰-۱۹۲۸) - ۴

که جورج مردیت^۱ و سپس آناتول فرانس^۲ برایم مطرح بودند. از زندگی توماس هاردی بسیار کم می‌دانستم و در حقیقت نکات مشترک بین زندگی توماس هاردی و ادوارد درفیلد بسیار ناچیزند و تنها وجه تشابه آنها منحصر به این می‌شود که هر دو در محیطی پست به دنیا آمده‌اند و دو بار ازدواج کرده‌اند. یکبار در مهمانی شام بانو سنت هیلر^۳ هاردی را ملاقات کردم. بانو سنت هیلر علاقمند بود از افرادی که توانسته بودند نظر مردم را جلب نمایند در منزل خود پذیرایی کند. در آن زمان من نمایشنامه‌نویس محبوب و مد روز بودم. این مهمانی همراه با غذاهای متنوع و شربت‌ها و شیرینی و بستنی یکی از مجلل‌ترین ضیافت‌هایی بود که مردم قبل از جنگ به راه می‌انداختند. بیست و چهار نفر از افراد متشخص و سرشناس از جمله سیاستمداران و هنرمندان مورد توجه حضور داشتند. هنگامی که بانوان برای استراحت به اتاق نشیمن رفتند خودم را کنار توماس هاردی یافتم. مردی کوچک اندام، با نگاهی عجیب، خوش‌مشرَب و آرام به نظر می‌رسید حس کردم که در او شرم و اعتماد به نفس درهم آمیخته است. به یاد ندارم که درباره چه موضوعی با هم صحبت کردیم ولی می‌دانم که سه ربع ساعت با یکدیگر گفت‌وگو می‌نمودیم و در پایان او لطف بزرگی در حق من نمود و پرسید که حرفه من چیست. گفته شده است که دو یا سه نویسنده خود را در قالب شخصیت آلری کر تصور کرده‌اند ولی مسلماً آنها در اشتباه بودند چه آن که تصویر آلری کر یک طرح ترکیب شده می‌باشد. من ظاهر او را از یک نویسنده، رفتار با طبقه برگزیده را از نویسنده دیگر، صمیمیت را از دیگری و روحیه ورزشکارانه را از فرد چهارم و بسیار زیاد از روحیات خودم را در خلق شخصیت آلری تلفیق نمودم. من برای پی‌بردن به پوچی درونم بسیار سخت‌گیر هستم و حتی قادر به انتقاد از خود می‌باشم و فکر می‌کنم به این سبب است که می‌توانم با روشی که کمتر از نویسندگان دیگر متملقانه است به روحیات مردم آگاهی یابم. تمام شخصیت‌هایی که ما به‌وجود می‌آوریم

۱- George Meredith شاعر و نویسنده انگلیسی (۱۸۲۸-۱۹۰۹)

۲- Anatole France شاعر، نویسنده و نمایشنامه‌نویس انگلیسی (۱۸۴۴-۱۹۲۴)

۳- Lady St Helier